

## تحلیلی بر جادو و جادوگری در درمان بیماران روانی در گذشته

محمد عطاری

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

آزاده چاکری

دانشجوی کارشناسی ارشد گرافیک، دانشگاه آزاد اسلامی

شاهین محمدی زرغان

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: مهر ۹۴

تاریخ دریافت: بهمن ۹۳

نوع مقاله: تحلیلی

### چکیده

در بررسی فرهنگ عوام، دانش‌های عوامانه و هنرهای عوامانه را پیش رو داریم. جادو و جادوگری از کهن‌ترین پدیده‌های عوامانه هستند که آثار آن‌ها در بسیاری از فرهنگ‌ها در سراسر جهان دیده می‌شود. عمل سحر و جادو با استفاده از اشیاء خاص و یا اذکار ویژه‌ای، توسط جادوگر انجام می‌پذیرد. این اشیاء خاص شامل نوشته و تصویر هستند. علائم نوشتاری و اعداد نیز جزئی از تصاویر به کار رفته در این اشیاء محسوب می‌شوند. کارکرد این اشیاء و دعاها به معنای عام، تلاش در کنترل جهان اطراف به نفع خود دانسته می‌شود. یکی از کارکردهای تاریخی جادو، درمان بیماران مختلف است. از این میان، درمان بیماران روانی یکی از مهم‌ترین کارکردهای جادو در گذشته به حساب می‌آید. در این مقاله با استفاده از روش پژوهش کتابخانه‌ای سعی شده تا علاوه بر معرفی نظری تاریخ جادو و جادوگری، به تحلیلی بر کارکرد آن‌ها در زمینه درمان بیماران روانی پرداخته شود. نظریات مردم‌شناسی و روانشناسی در این زمینه بیان می‌شوند و پدیده‌های روان‌شناختی مربوط تشریح می‌گردند.

واژه‌های کلیدی: جادو، جادوگری، روانشناسی، بیماری روانی، اسطوره، جهان بینی.

## مقدمه

فرهنگ<sup>۱</sup>، یکی از گسترده‌ترین، کهن‌ترین و البته پیچیده‌ترین مقولات تاریخ زندگی بشری است. از این رو تار و پود حیات غیر مادی جوامع انسانی تا حد قابل توجهی ساخته و پرداخته‌ی آن بوده است و شئون مادی زندگی در تعامل جدی و سازنده با آن قرار دارد. فرهنگ مانند هر مقوله‌ی دیگر اجتماعی، در حال تحول و تکامل بوده و از واقعیتی پویا برخوردار است. این پویایی، با شیوه معاش و وسایل تأمین آن در گستره‌ی ارتباطات اجتماعی<sup>۲</sup>، رابطه مستقیم دارد.

فرهنگ عامه از منابع با ارزش و بکری است که انسان را با ماهیت حیات و فلسفه‌ی زندگی بشر در بستر تاریخ آشنا می‌سازد (خدیش، ۱۳۸۸). در بررسی فرهنگ عوام، دانش‌های عوامانه و هنرهای عوامانه را پیش رو داریم. پژوهشگران فرهنگ عامیانه، به جنبه‌های هنری این فرهنگ بیش‌تر توجه کرده‌اند؛ زیرا جنبه‌های هنری در این فرهنگ، برای مردم و پی بردن به وضع روانی، اجتماعی و سوابق زندگی بشر مفیدتر و ارزشمندتر بوده است.

شناخت باورهای قومی و قبیله‌ای، آیین‌ها و سنت‌ها و اعتقادات مذهبی، می‌تواند دست‌مایه مفیدی برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها و تمدن‌ها باشد. بر این اساس، هنر و هنرمند برای بیان خود و یا بیان اجتماعی و موضوعی، به ناگزیر، اعتراف به تأثیرها از این باورها و اعتقادات کرده است. ردپای این تأثیرها را امروزه در آثار هنرمندان ایرانی در رشته‌های مختلف تجسمی، نمایشی، آیینی و ادبیات می‌توان مشاهده کرد.

سیر تحولی فرهنگ و اعتقادات هر قوم بیانگر تحول سبک زندگی، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تحول اندیشه و دانش آن قوم است. اعتقاد به جادو و اشیاء جادویی در نخستین ادوار زندگی بشر از طبیعت و ذهن انسان بدوی نشأت می‌گیرد. انسان ابتدایی به واسطه‌ی قانون بقا ناگزیر بوده است که نمودهای هستی را بشناسد و حوادث عالم را برای خود تبیین کند، از این رو عملاً به تلاش دست می‌زند. اما به دلیل توانایی محدود از درک درست بسیاری از پدیده‌های پیرامون خود، به ناچار برای فرونشاندن حس بلا تکلیفی و ناکامی خود، به خیال پناه می‌برد (پورنامداریان، ۱۳۶۴) و با تخیل ابتدایی خود، هستی را معنا می‌بخشد و به این طریق پاسخ‌هایی برای برخی از مسائل زندگی می‌یابد و به منظور تسلط بر حوادث پیرامون خود، دست به فعالیت‌هایی نیز می‌زند. برخی از این گونه فعالیت‌ها که زاده‌ی خیال پروری و امید هستند، «سحر<sup>۳</sup>» نام گرفته‌اند.

اصطلاح سحر به عملی اشاره دارد که به مدد نیروی معنوی بیرونی و غیر مشخصی از فراسوی حوزه عمومی کارکردی انسان، به نفوذ در وی و یا رویدادهای طبیعی می‌انجامد. عمل سحر و جادو با استفاده از اشیاء خاص و یا اذکار ویژه‌ای، توسط ساحر (جادوگر) انجام می‌پذیرد. این اشیاء خاص، مکتوب و گاهی شامل نوشته و تصویر هستند. علائم نوشتاری و اعداد نیز جزئی از تصاویر به کار رفته در این اشیاء محسوب می‌شوند. اعداد، نوشته‌ها و سایر علائم تصویری، بیشترین نقش را در اشیاء اعتقادی دارند. بسیاری از این نوشته‌ها دارای نمادهای ابتدایی و بعضاً پیشرفته هستند. این علائم و نقوش بر روی مواد مختلفی از قبیل: فلزات، کاغذ، پوست، چوب، سنگ و ... با مواد و ابزار متفاوتی توسط ساحر ترسیم می‌شوند.

سحر و اشیاء اعتقادی در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر قدمت بسیاری دارد و همواره در طی ادوار گوناگون و شرایط خاص، تغییراتی به همراه داشته است. اشیاء اعتقادی همچون حرزها، طلسم‌ها، تعاویذ، اسطرلاب، عزیب و ... در ایران، همواره از تفکرات اسطوره‌ای و باورهای عامیانه حاکم میان مردم نشأت گرفته است. چنانچه با کمی تأمل به حرزها، تعاویذ و طلسم<sup>۴</sup> ها و سایر اشیاء اعتقادی بنگریم، در می‌یابیم که این اشیاء صرف نظر از کاربردهای اولیه‌شان، دارای نوعی فضای تصویری مدرن هستند (چاکری، ۱۳۹۳) که می‌تواند الهام بخش و منبع تصویری ارزشمندی برای هنرمندان معاصر تجسمی کشورمان باشد.

<sup>1</sup> culture

<sup>2</sup> social communication

<sup>3</sup> magic

<sup>4</sup> talisman

هدف از پژوهش حاضر، مطالعه اشیاء اعتقادی خاص به کار رفته برای درمان بیماری‌های روانی و تحلیل روان‌شناختی آن‌ها است. این موضوع از دید بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های روانشناسی و هنری پنهان مانده و اندک محققانی به آن پرداخته‌اند. لازم به ذکر است که در این مجال قضاوتی در باب کارکرد یا تأثیر اشیاء فوق‌الذکر در درمان یا بهبود بیماری‌های روان‌شناختی صورت نمی‌گیرد.

### رابطه بیماری‌های روانی با سحر و جادو

همان‌طور که گفته شد، در گذشته، بشر از شناخت دقیق واقعیت‌ها و بیماری‌ها عاجز بود. اولین تلاش‌ها در جهت توجیه بیماری‌ها بر اساس مدرکات قرار داشته و در واقع مبنای درمان در تمام زمینه‌های پزشکی در ابتدا جادوگری (و به عبارت جامع‌تر علوم خفیه) بوده است. آنچه که امروزه محصول فعل و انفعالات مغزی دانسته می‌شود، در گذشته معلول قدرت‌های ماوراء طبیعی می‌دانستند. بدی و بیماری نتیجه تسخیر به وسیله ارواح خبیثه دانسته می‌شد (شاملو، ۱۳۸۱) و چاره آن انحصاراً در اختیار جادوگران بود. بدین ترتیب گراف نیست اگر جادوگران را نخستین روانشناسان (نه به معنای امروزی آن) تاریخ بدانیم. این درمانگران نخستین که اغلب خود از ابتلا به اختلال روانی بی‌بهره نبودند برای درمان بیماری‌های جسمی و روانی از روش‌های ساحرانه و جادوگری استفاده می‌کرده‌اند (محرری، ۱۳۷۳). شواهدی از تمدن‌های پیشین موجود است که بعضی از سردردها و حملات صرعی را به وسیله عمل جراحی بر روی سر یا سوراخ کردن جمجمه برای خروج شیاطین از مغز درمان می‌کرده‌اند. جالب است که اکثر این اعمال به مرگ بیمار می‌انجامیده است. برخی دیگر بر این اعتقاد بودند که بیماران روانی از یک نوع نظرکردگی برخوردارند که دخالت در حالات آن‌ها ممکن است موجب آسیب رسیدن به دخالت‌کننده باشد. به مرور زمان، بر اثر تجربه‌های مکرر و پیدایش اعتقادات مختلف توجیهاتی در زمینه شناخت و درمان بیماری‌ها به وجود آمد. از جمله این که تا زمانی که جسم و جان با هم بودند انسان از سلامت کامل برخوردار بود ولی زمانی که روح یا قسمتی از آن بدن را رها می‌کرد، بیماری عارض می‌گردید. نکته دیگر در کار جادوگری، این که دو چیز در فاصله معین ممکن است اثراتی متقابل روی هم داشته باشند که آن را می‌توان روابط سری و یا سحرآمیز دانست. دیگر این که دو چیز متشابه اثراتشان روی یکدیگر از طریق تشابهات همدرد گونه است و بر همین اساس است که درمانگران از طریق تقلید و به نمایش گذاشتن رفتار، حالات و علائم شخص بیمار وانمود می‌کردند که به درد او مبتلا هستند و در عین این که از درد به خود می‌پیچند و نزدیک به مرگ هستند، سرانجام خود را بهبودیافته وانمود می‌کردند و با این روش نمایشی و تلقینی تا حدی بر بهبود بیمار تأثیر می‌گذاشتند. شاید بتوان سایکودرام<sup>۱</sup> (نمایش‌درمانگری) امروزی را در حقیقت جلوه علمی و تازه‌ای از آن روش نمایشی قدیمی و ابتدایی و بدون بینش دانست (محرری، ۱۳۷۳).

جادوگران، چهره و لباس و آداب ویژه خود را داشتند و بر تمام روابط فردی و اجتماعی مردم و حتی خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی آنان نظارت و دخالت داشتند و به عبارت علمی امروزی در روانشناسی بالینی یک «مرجع قدرت»<sup>۲</sup> تمام عیار محسوب می‌شدند. با وجود این که جادوگری در کشورهای کم پیشرفته از بین نرفته است، دو جنبه‌ی آن برای متخصصان روانشناسی دارای اهمیت است. نکته اول به این موضوع اشاره دارد که اعتقادات مردم در مورد بیماری روانی در عصر حاضر تغییر شگفتی نکرده است. البته برخی مشاهدات حاکی از افزایش اطلاعات مردم در این باره به خصوص در بیست سال گذشته است. با این حال حتی در زمان حال، افرادی هستند که نگرش آن‌ها به بیماری‌های روانی همان نگرش جادوپسندانه است. نکته دوم این که فرضیه‌های اولیه‌ای که درباره علت شناسی<sup>۳</sup> بیماری‌های روانی وجود داشت هنوز در میان طبقات پایین و رشد نیافته جامعه به قوت خود باقی است و نقش عوامل ماوراء در پیدایش این اختلالات جدی گرفته می‌شود (محرری، ۱۳۷۳).

<sup>۱</sup> psychodrama

<sup>۲</sup> authority

<sup>۳</sup> etiology

گوردون چاپلید (۱۳۵۲) می‌گوید: از حدود شش هزار سال پیش کوشش‌هایی برای درمان بیماری‌ها به عمل آمده بود. به یقین می‌توان گفت پزشکی ابتدایی بیشتر بر پایه‌ی جادو بوده و کار طبیب تا حد زیادی به خواندن اوراد و شعبه بازی بستگی داشته است. در هر جامعه‌ی ابتدایی، به محض آنکه جادوگران حرفه‌ای پدید می‌آمدند، هنر درمان کردن بیماران نیز به انحصار آنان در می‌آمد. از این روست که از حدود پنج هزار سال قبل، پزشکان بین‌النهرین همان کاهنان و جادوگرانند. نخستین کاری که برای درمان و معالجه‌ی بیمار معمول می‌شده، آن بوده است که به او طلسمی می‌آویختند که بتواند روح شروری را که در درون بدن انسان است، خرسند سازد و او را از بدن بیرون کنند. بسیاری مردم اکنون نیز چنین عقیده دارند که چون با حب‌ها و گردهای طبی دعا ضمیمه شود، اثر آن بیشتر می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که زنان نخستین برای اولین بار به کار جادوپزشکی پرداختند (ویل دورانت، ۱۳۶۵).

افسانه‌ها و اساطیر جوامع کهن مانند یونان، روم، مصر، چین و ایران بیانگر این واقعیت است که در این جوامع ابتدایی، در مورد چگونگی بروز بیماری‌های روانی، طرز فکری خرافی و ماوراء طبیعی وجود داشته است. این گونه اعتقادات هنوز در برخی از جوامع عقب افتاده مطرح است و بعضاً به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب، جریان طولانی جن شناسی یا جن گیری در تاریخ زندگی انسان و البته در تاریخ روان‌پزشکی و روانشناسی (نه به معنای مدرن آن) به وجود آمد. لغاتی مانند «جنون» و «دیوانگی» در زبان عربی و فارسی از مفاهیمی مانند «جن» و «دیو» ناشی می‌شود. در طول تاریخ جن گیری به اشکال مختلف، از خیلی ملایم تا خیلی خشن، اعمال می‌شده است. نوع ملایم آن شامل دعا، لمس کردن اشیاء، رقصیدن، آواز خواندن، سر و صدا کردن، ایجاد بوی بد زیر بینی بیمار برای ترساندن و راندن ارواح و امثال آن بود. نوع خشن آن نیز شامل شلاق زدن، گرسنگی دادن، شکنجه کردن، کتک زدن و حتی کشتن بیمار بوده است (شاملو، ۱۳۸۱). حال که این روش‌های خرافی به عنوان درمان بیماری‌های روانی در بستر تاریخ بیان شد، پیش از پرداختن به تحلیل روان‌شناختی این درمان‌ها، خود این روش‌ها و تعاریف و انواع آن‌ها در ادامه می‌آید.

### علوم غریبه

به طور کلی، در گذشته علوم به دو دسته مجزا تقسیم شده بود: ۱- جلیه، ۲- خفیه (یا علوم غریبه). علوم جلیه از قبیل هندسه، طب و منطق، قاعده و قانون معینی داشتند و در همه نقاط به طور یکسان تدریس می‌شدند. روش کسب دانش در این علوم شبیه به روش «بیکنی»<sup>۱</sup> در روش‌شناسی<sup>۲</sup> امروزی است. لیکن علوم خفیه یا غریبه از چنین روشی تبعیت نمی‌کردند و اسرار آن‌ها در سینه دانشمندان آن مکتوم بود.

این علوم بر پایه نیروهای فوق طبیعی استوار بود و دانشمندان آن به روشی که مختص خودشان بود ادعا به ارتباط با نیروهای اسرار آمیز داشتند. علوم غریبه دارای شعبات متعدد بود که هر بخش اسرار خاص خود را داشت. اما بارزترین شاخه‌ها پنج علم بود که خمسه محتجبه نام داشت. این پنج علم پنهان عبارت بود از کیمیا، لیمیا، هیمیا سیمیا، و ریمیا، که هر کدام حوزه عمل مستقلی داشت. کیمیا همان علم اکسیر بود که به معدنیات و تبدیل اجسام و فلزات از یکی به دیگری مرتبط می‌شد. گفته می‌شود که واژه «شیمی»<sup>۳</sup> از همین لغت گرفته شده است. لیمیا در قسمت اعمال و افعال و تبدیل قوای فاعل به مفعول و یا بالعکس عمل می‌کرد و به مجموعه اعمال آن علم طلسمات گفته می‌شد. هیمیا با احوال ستارگان و حیوانات وابسته به آن‌ها مرتبط و علوم تسخیرات گفته می‌شد. سیمیا علم خیالات بود و هدف آن عبارت بود از تصرف در خیالاتی که در خارج وجود ندارد. بالاخره ریمیا علم شعبدات بود و هدف آن شناختن پدیده‌ها و نیروهای زمینی و تمزیج آن‌ها با یکدیگر و بدست آوردن نیرویی تازه بود.

<sup>1</sup> Baconian method

<sup>2</sup> methodology

<sup>3</sup> chemistry

پایه علوم غریبه بر جاذبه‌های علمی و ریاضی نیز موجب شد تا برخی از دانشمندان به این علوم توجه خاصی داشته باشند. از سحرگاه تاریخ در یونان باستان به علوم غریبه و طلسمات نیز چون شاخه‌ای از علوم نگریسته می‌شد. اشیاء اعتقادی نظیر حرزها، تعاویذ، طلسم‌ها و ... که در سطور بالا اشاره جزئی به آن شد، محصولات و تولیدات علوم غریبه محسوب می‌شوند.

### تاریخچه سحر و جادو در جهان

حیات انسان اولیه در میان هزاران مخاطره قرار داشته و خیلی کم اتفاق می‌افتاد که کسی با مرگ طبیعی بمیرد، پیش از آنکه به پیروی برسد. به همین دلیل انسان نخستین نمی‌توانست باور کند که مرگ یک حادثه طبیعی است و همیشه دوست داشت برای آن علت فوق طبیعی تصور کند. ترس از مرگ و احساس شگفتی از حوادثی که بر حسب تصادفات ایجاد می‌شود، یا انسان نمی‌تواند علت آن‌ها را درک کند و امیدواری به کمک خدایان و شکر گذاری در مقابل خوشبختی‌هایی که برای انسان حاصل می‌شده، همه عواملی بوده است که پیدایش اعتقادات دینی نخستین را سبب شده است.

وجود سحر، جادو و جادوگری در جوامع گذشته و حتی به اشکال تکامل یافته آن در جهان امروزی بر کسی پوشیده نیست. جادو اگر چه هرگز نتوانست جای خود را در میان علم باز کند و همواره در پذیرفتن آن از سوی علم با تردید و شبهه همراه بوده است، اما در میان عامه مردم و در فرهنگ عامه آنان با توجه به شرایط محیطی‌شان گاهی بسیار موثر تصور می‌شده است. جادو در زندگی و باور کسانی که به آن اعتقاد دارند، امری خارق‌العاده است که می‌تواند کاربردهای زیادی در زندگی مادی و معنوی همه انسان‌ها داشته باشد. اگر چه به این علت که جادو به نظر در جوامعی رایج‌تر است که فناوری<sup>۱</sup> ضعیف‌تری وجود دارد، یعنی جوامع ابتدایی، ولی حتی امروزه نیز توسط برخی به کار گرفته می‌شود.

جادو به باور نظریه‌پردازان گوناگون ریشه‌های متفاوتی دارد و پیدایش جادوگری در هر جامعه‌ای تابعی از نیازها، شرایط و حتی جغرافیای خاص مردم آن جامعه بوده است. از جمله نظریه‌پردازانی که در زمینه سحر و جادو فعالیت داشته‌اند می‌توان به مارسل مورس و فریزر اشاره کرد.

### انواع جادو

جورج فریزر در کتاب شاخه زرین<sup>۲</sup> جادو را به گونه‌های مختلف بخش کرده است (فضایی، ۱۳۶۹). جادوگری چه در زمان‌های قدیم و چه در زمان حاضر به طور کلی از دو راه معمول می‌شده است. یکی به وسیله الفاظ، کلمات و جملات، مانند اوراد و اذکار، آفرین و نفرین و دیگری به وسیله اعمال، حرکات و اشیاء. از این رو باید جادوگری را به دو قسمت لفظی و عملی تقسیم کرد (فریزر، ۱۳۸۳).

#### جادوی لفظی

جادوی لفظی ساده و ابتدایی‌تر از جادو عملی است. از این رو جادوی لفظی را غالب اشخاص در میان قبیله و گروه‌های اجتماعی می‌توانند اعمال کنند. اما جادوی عملی پیشرفته‌تر از لفظی است و از این رو پیچیده‌تر به نظر می‌آید. بدان سبب به جادوگران حرفه‌ای قبیله و عشیره اختصاص دارد و افراد عامی از انجام آن ناتوان هستند. از این جهت اختصاصی شدن آن باعث ظهور گروه خاص کاهنان و جادوگران و ساحران قبایل و اقوام شده است و دین یاران ادیان ابتدایی را تشکیل داده‌اند. در جامعه اولیه که انسان توسط سحر و جادو را حلال مشکلات خود می‌دانست، مسئله بدشگونی و خوش شگونی کلمات و جملات و بعضی اعمال و برخوردها به عنوان یک اصل در نظر گرفته می‌شد. یعنی ایراد بعضی کلمات و جملات را دارای اثری خوشایند و بعضی دیگر را دارای اثری بد و ناخوشایند می‌پندارند. منشاء همه این تصورات از نتایج جادوی لفظی است که بقایای آن‌ها در جوامع مترقی هم بر جای مانده است.

<sup>1</sup> technology

<sup>2</sup> the golden bough

فریزر پا را فراتر نهاده و معتقد است بسیاری از ادعیه و نمازهای ادیان قدیم منشاء جادویی دارند و به بیان دیگر صورت تحول یافته جادوی لفظی هستند. احتمال دارد که غالب تعارفات معمول در میان افراد جوامع متمدن به ویژه ملل شرقی منشاء جادوی لفظی داشته باشند. در فرهنگ ایرانی می‌توان به این نکته اشاره کرد که خاقانی در اشعار خود از تعاویذ زیادی به صورت مستقیم و غیر مستقیم بهره گرفته است (ماهیار، ۱۳۸۴).

### جادوی عملی

جادوی عملی از راه بعضی اعمال و به کار بردن اشیاء، طلسمات و تعاویذ<sup>۱</sup>های معمول می‌شود. از این رو از جادوی لفظی هم مشکل‌تر است. جادوی عملی به مرحله تخصصی‌تری رسیده و مخصوص جوامع اوایل عصر فلز، از حدود ده هزار تا سه هزار سال پیش از میلاد یعنی آغاز عصر کشاورزی و چوپانی در آستانه شهر نشینی است. این شیوه جادو، نه تنها با الفاظ و جملات - اوراد دعا گونه و نفرین گونه - بلکه به وسیله اعمال و حرکات مخصوص، به همراه بعضی اشیاء افسون آمیز، طلسم‌ها و تعاویذها توسط ساحران قبیله‌های ابتدایی انجام می‌شده است. این گونه سحر و جادو هم اکنون نیز در میان قبیله‌های بومی بعضی مناطق استرالیا، جزایر پولینزی، ملانزی و آفریقا مرسوم است. البته برخی مشاهدات غیر رسمی حاکی از این است که این گونه جادوکاری‌ها در برخی مناطق ایران نیز صورت می‌پذیرد.

در جادوی عملی، جادوگران با اعمال و حرکات سحر آمیز همراه با تعاویذات و طلسمات می‌کوشند بر دشمنان قبیله غلبه کنند، پدیده‌های طبیعی را مسخ نمایند و ارواح و شیاطین را از تن بیماران بیرون برانند و این قبیل پندارهای مشابه. این جادوگران بعدها شِمن و شیوه‌های جادوگری، شمنیزم خوانده شدند و این گروه ابتدایی در جوامع پیشرفته و شهرنشین به کاهنان یعنی دین یاران پیشگو تبدیل شدند. کاهنان ادیان بعدی علاوه بر جادو کاری، به ستاره شناسی و طالع بینی هم می‌پرداختند. در جادوکاری عملی، جادوگران بیشتر با ابزارها و وسایل جادوگری و افسون آمیز به سحر و جادوگری می‌پردازند. به عنوان مثال، در میان قبایل آفریقایی، جادوگران بیشتر با اشیاء مخصوص استخوانی، چوبی و سنگی و گاهی فلزی مجسمه‌های انسان و امثال آن‌ها، به جادوگری عملی دست می‌زنند.

جادوگران قبیله آفریقایی ماندینگ<sup>۲</sup> همیشه همراه خود کیسه‌ای از پوست حیوانی پر از وسایل و ابزار سحر آمیز مانند بعضی گیاهان خشک شده پر از آب افسون آمیز، تمثال‌هایی از زن و مرد، چهار زنگوله استوانه‌ای، شاخ حیوانات، پنجه خشک شده گرگ و تمثال آن‌ها را دارند. آنان هنگام جادو کردن ابتدا اوراد و عزایمی می‌خوانند و بعد آن اشیاء را با حرکات و اعمال مخصوصی بکار می‌برند.

ابزارها و وسایل جادوکاری که در زبان عربی و فارسی تعاویذ و طلسم خوانده شده، در اصطلاح مردم شناسی دینی فیتیش<sup>۳</sup> نامیده شده است (هولز، ۱۳۵۱). نام برخی از این عناصر در فرهنگ ایرانی شامل مهره مار، جوجادو، مهر گیاه، چشم زخم، خرمهره، هب هاب، زبان مرغ، مو و چشم گرگ، قفل، فلز جن و ... می‌باشد که هر کدام دارای کاربردی خاص است (علی پورسعدانی و شیخ زاده، ۱۳۸۸).

### جادوی تقلیدی<sup>۴</sup> و تهدیدی

هر یک از جادوهای لفظی و عملی یا تقلیدی هستند یا تهدیدی. جادوی تقلیدی چنان است که انسان ابتدایی چون همه موجودات را مانند خود دارای نفس و اراده تصور می‌کند، از آن‌ها می‌خواهد که دوستانه کارهایی را که جادوگر می‌خواهد و به عنوان الگو انجام می‌دهد. آن‌ها نیز از او تقلید کنند و چنان نمایند. به طور نمونه، در ایام خشکسالی جادوکار قبیله و روستا از بالا به پایین آب می‌پاشد و از آسمان یا ابر هم می‌خواهد که از او تقلید کنند. زن عقیم به دستور جادوکار عروسکی در بغل می‌گیرد و جادوگر از ارواح می‌خواهد که از او تقلید کرده آن زن را صاحب بچه کنند.

<sup>1</sup> taviz

<sup>2</sup> Mandingue

<sup>3</sup> fetish

<sup>4</sup> imitative magic

فریزر معتقد است در جادوی تقلیدی شرط اساسی آن است که میان عمل جادویی مورد تقلید و آن چیزی که مورد جادو (هدف) است، همانندی و شباهت وجود داشته باشد، مانند آب پاشیدن و بارش باران یا عروسک و بچه. بنا بر این شباهت سازی<sup>۱</sup> مبنای جادوی تقلیدی است. به نمایش گذاشتن رفتار، حالات و علائم شخص بیمار توسط جادوگر برای اهداف درمانی و این که او سرانجام خود را بهبود یافته وانمود می‌کند و با این روش نمایشی و تلقینی بر بهبود بیمار تأثیر می‌گذارد، در واقع نمونه‌ای از جادوی تقلیدی محسوب می‌شود. همان‌طور که در سطور بالا گفته شد نمایش درمانی امروزی را می‌توان ریشه دار در این نوع از جادوکاری دانست، با این تفاوت که شواهد پژوهشی تأثیر نمایش درمانی را تایید می‌کنند ولی شواهد تاریخی محکمی در جهت اثبات کارکرد موثر جادوکاری تقلیدی در بهبود علائم اختلالات روانی در دست نیست.

ژان دورینگ در مقاله‌ای توضیح می‌دهد که در موسیقی «شیدایی» بلوچستان، استاد می‌کوشد تا به کمک موسیقی (گواتی و نوای موسیقی) بیمار را «به خود بیاورد» و به خودشناسی<sup>۲</sup> وادارد و به «خود درمانی» برانگیزد، یعنی ارواح خبیثه را از تنش براند، همان گونه که عطار، عراقی و سهروردی، سیمرغ را سرچشمه‌ی توسل عرفانی و رمز اعتلای نفس آدمی می‌دانسته‌اند (ستاری، ۱۳۸۷).

در میان بعضی قبایل دیده شده است که قبل از شروع جنگ، مجسمه یا صورتکی از رئیس دشمن را مجروح می‌کنند و یا می‌سوزانند تا صاحب آن نیز تحت تأثیر و سرایت آن عمل جادویی واقع شده و از آن تقلید کند. از این جهت است که جادوی تقلیدی را جادوی مسری می‌نامند. غالباً این سرایت و تقلید نسبتاً دوستانه و مسالمت آمیز است. شرط سرایت عمل جادویی به عقیده فریزر، تماس و اتصال است که در روان شناسی مجاورت یا تداعی معانی خوانده می‌شود. اعتقاد بر این است که اگر جسم یا موجودی که واسطه انتقال سحر به موضوع یا شخص مورد جادو است، با هم تماس و اتصال داشته باشند، روی یکدیگر اثر جادویی می‌گذارند. از این رو در جادوی مسری، تقلیدی جادوگر می‌کوشد اجزاء و متعلقات چیز یا شخص مورد نظر را مورد سحر و جادو قرار بدهد که از آن‌ها به صاحب آن اجزاء و متعلقات سرایت کند. از این رو است که جادوکاران سعی در بدست آوردن نان، مو، لباس، تصویر و حتی سایه و خانه شخص مورد نظر دارند، چرا که شخص با آن‌ها اتصال دارد. در نظر انسان ابتدایی، نام شخص جزئی اساسی از وجود اوست. وقتی نام یک فرد یا یک روح دانسته شود جادوگر می‌تواند نوعی سلطه‌ی سحر آمیز بر صاحب آن داشته باشد. از این روست که در بسیاری از جوامع ابتدایی اشخاص در حفظ اجزاء و متعلقات بدن و تصویر و لباس و نام خود اصرار دارند.

جادوی تقلیدی مسری اگر همراه با دشمنی و کینه تیزی باشد، جادوی تهدیدی خوانده می‌شود. غالباً جادوی تقلیدی مسری عملی است که انجام دادن آن تخصصی است و مخصوص جادوگران است و جنبه‌ی مبارزه طلبی دارد. در حقیقت در تمام شیوه‌های مذکور در جادوگری، هدف اول تسخیر ارواح و شیاطین دشمن است و دوم راه یافتن جادوگر به روح انسان یا شیء مورد نظر.

درمان در گذشته بیشتر بر پایه جادو بوده و کار طبیب تا حد زیادی به خواندن اوراد و شعبده بازی بستگی داشته است. در هر جامعه ابتدایی به محض آنکه جادوگران حرفه‌ای پدید می‌آمدند، هنر درمان کردن بیماران نیز به انحصار آنان در می‌آمد. از این رو بوده است جادوگران کار درمانی را پیشه خود می‌دانستند.

در متون طبی که از الواح بابلی کشف شده، این مطلب - مثلاً درباره علت تب - چنین دانسته می‌شود که تب بر اثر نفوذ شیطان در داخل بدن بروز می‌کند. شیطان داخل بدن انسان را می‌خورد و او را نابود می‌کند و می‌پنداشتند که این شیطان بد جنس در گوشه‌های معابر کمین کرده و بر عابری غافل تاخته و آن‌ها را می‌گرفته است. فکر وجود شیطان بیماری، همچنین در طول اعصار در مغز انسان باقی مانده تا به ایام ما رسیده است. این همان اسلوبی است که به عقیده مسیحیان، عیسی مسیح برای معالجه دیوانگان علیل به کار می‌برده و همان طریقه‌ای است که اعراب برای شفای مجنون (جن زده) به کار می‌برده اند.

<sup>1</sup> similarity

<sup>2</sup> self-awareness

کاربردهای جادو در ایران کهن، نیز مانند تمدن‌های پیشین، گوناگون و متفاوت بوده است. میان ایرانیان کهن جادودرمانی نیز جایگاهی والا داشته است. از بررسی اوستا و کتب زرتشتی چنین برمی‌آید که جادوی سیاه یا جادوی آزارسان را گناه دانسته‌اند که در برابر آن جادوی سفید و تعویذها و افسون‌ها و سحرشکن‌ها وجود دارند و یکی از نکات مهم، جادو درمانی است که به صورت دعا به بیماران پرداخته می‌شده است. در یشت‌ها، دعای «ایریمای ایشیو» خطاب به اریامن، ایزد شفابخشی است و در همین کتاب، گونه‌ای از طبابت با طلسم‌های مقدس آمده است و قدرت‌های جادویی به پر شاهین در نبرد نسبت داده شده است. در وندیداد نیز درباره‌ی پنهان کردن ناخن و ریزهای مو نکاتی آمده است. دیوان می‌توانند تغییر شکل دهند و در انواع افسونگری چیره دست می‌باشند. شاید همین پیشینه غنی در این باب است که باعث شده جادوکاری هنوز در برخی مناطق ایران وجود داشته باشد.

### باورهای خرافی

باور<sup>۱</sup>ها اموری هستند درباره‌ی آن چه وجود دارد و در واقعیت هست. به بیان وسیع‌تر می‌توان باورها را معادل جهان بینی دانست که از جنس فکر و ذهن (شناختی) است و می‌تواند تمامی عقاید، بینش‌ها، اسطوره‌ها، عقاید قالبی و حتی خرافات<sup>۲</sup> را شامل شود. مراد از باورهای خرافی بخشی از عقاید، آداب و رسوم و رفتارهای فردی و اجتماعی است که نه با موازین عقلی توجیه پذیرند و نه بر ادیان اصیل توحیدی انطباق دارند. اما در تمام جوامع در کنار عقلا و مؤمنان، در برخی از جوامع، به حیات خود با قدرت، ادامه می‌دهند. این گونه باورها که در سایه‌ی ناآگاهی و جهالت عامه‌ی مردم، هستی یافته‌اند اگرچه توجیهات و دست‌آویزهای شبه مذهبی و ماوراءالطبیعه برای خود جستجو کنند، ریشه در اعصار گذشته و ماهیتی «جادویی» دارند، به عبارت دیگر می‌توان گفت این باورها و رسومات بازمانده از عصر جادوگری است که به عین به تغییراتی تا به امروز رسیده‌اند.

باورهای خرافی در تاریخ ایران در زمان قاجار به اوج خود می‌رسد. این پدیده به خصوص بین زنان قاجار شدیداً رایج بوده و بازار داغی را برای رمالان و دعانویسان درست کرده بود. شواهد گوناگونی حاکی از این است که کاربرد گستره طلسمات در امور درمانی و پزشکی تقریباً عرصه را بر کار پزشکی تنگ کرده و به گونه‌ای جای آن را گرفته بود. برای پاره‌ای از بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های مسری، دعاها و تعاویذ خاص موجود بود. دعانویسان نه تنها برای بیماری‌های فیزیکی و روانی، که حتی برای بیماری‌های دام‌ها و چارپایان و دفع آفات کشاورزی انواع و اقسام طلسم و تعویذ را توصیه می‌کردند (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۱). در همان زمان، میرزا فتحعلی آخوندزاده علت اصلی گرایش زنان ایرانی به خرافات و جادو و طلسم را ناشی از جهل و بی‌سوادی عارضی و خشونت رفتار مردان و مفاسد اخلاقی مردان می‌داند (عاملی رضایی، ۱۳۸۹).

حرزها و تعویذهای به کار رفته در درمان بیماری‌های روانی مانند باقی حرزها و تعویذهای نوشتنی معمولاً هویت مقدس خود را با شروع کلماتی مانند به نام یکی از ایزدان آشکار می‌کنند (مثال عربی: بسم الله، بنام خداوند بخشنده مهربان) و یا با پراکندن نقوش مذهبی (مانند صلیب، سواستیکا یا ستاره داوود) نشان دادن تقدس آن‌ها با نفرین کردن دیوها، کامل می‌شود. در این حرزها و تعویذها رشته‌هایی از اصوات رمزی برای گرفتن قدرت از فرشته‌ها و سیاره‌ها بیان می‌شود. گاهی اوقات نیز قدرت حرزها و تعویذهای نوشتنی فقط با به همراه داشتن آن‌ها آشکار نمی‌شود. بلکه با گذاردن آن‌ها در آب و سپس نوشیدن آن آب، نمایان می‌گردد. به نظر می‌رسد واژه طلسم بیشتر در موارد اشیاء آئینی و اسطوره‌ای به کار می‌رود. بدین معنی که اسطوره‌ها در علائم و رموز به شکل طلسم جان می‌یابند و ایجاد فعل می‌کنند. حرزها و تعویذها بیشتر به شکل حروف و اعداد هستند و بازدارنده فعل هستند و آشکارا در متون مذهبی از آن‌ها یاد شده است بدین صورت تقدسی پیدا می‌کنند و بیشتر در علوم خفیه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

<sup>1</sup> belief

<sup>2</sup> superstition



در شکل‌های ۱ تا ۴ (ر.ک. به آخر مقاله) برخی از اشکال به کار رفته در تعاویذ مورد استفاده در درمان بیماری‌های روانی و همچنین مسایل روانی دیده می‌شود (چاکری، ۱۳۹۳).

### نظرات فروید در مورد جادو

در آزمایش سوم از کتاب «توتم و تابو»، فروید از زنده بینی، جادو و قدرت فراگیر مطلق اندیشه سخن می‌گوید (فروید، ۱۳۸۵). در قسمت اول، درباره زنده بینی<sup>۱</sup> صحبت می‌کند. در نظر وی زنده بینی به معنای محدود کلمه، به نظرهایی اطلاق می‌شود که به روح مربوط می‌شود و به معنای وسیع آن عبارت از موجودات روحانی به طور کلی است. مطابق اعتقاد بدوی‌ها، جهان شامل عده زیادی از موجودات روحانی است که نسبت به انسان یا خیرخواهند یا بدخواه. انسان‌ها نیز پدیده‌های طبیعی را به این ارواح شرور یا بی‌آزار نسبت می‌دهند و معتقدند که این موجودات نه تنها به جانوران و گیاهان جان می‌دهند بلکه به اشیاء ظاهراً بی‌جان نیز جان می‌دهند و عقیده دارند که انسان‌ها واجد ارواحی هستند که ممکن است آن‌ها را ترک کرده و وارد جسم فرد دیگری شوند. فروید معتقد است که با توجه به توالی جهان بینی زنده بینی (اساطیر)، استنباط آیینی و جهان بینی علمی، اساطیر بر اساس زنده بینی استوار شده‌اند (کیایی، ۱۳۹۱).

فروید درباره جادو می‌گوید: انسان‌ها برای تسلط بر هممنوعان و جانوران و اشیاء و یا بهتر است بگوییم تسلط بر ارواح انسان‌ها و جانوران و اشیاء متوسل به نظام اشاراتی می‌شوند که به جادوگری، سحر و افسون مشهورند. به نظر هوبرت و موس و فروید جادوگری یک برنامه جزئی زنده بینی است. در اینجا اعتقاد بر این است که سحر<sup>۲</sup> و جادو<sup>۳</sup> تفاوت دارند. سحر چیزی نیست جز هنر نفوذ در ارواح و معاشرت با آن‌ها همان طوری که در شرایط مشابه با انسان رفتار می‌کنیم؛ یعنی تسکین و تشفی آن‌ها و سازش با آن‌ها و جلب محبت و مساعدت آن‌ها، تهدید و ارباب آن‌ها، سلب قدرت از آن‌ها و تحت مالکیت در آوردن آن‌ها. لیکن در جادو از ارواح صرف نظر می‌کنیم و در واقع عوض استفاده از شیوه روان‌شناختی متداول، از روش‌های ویژه‌ای سود می‌بریم. در جادو، در مواردی که ظاهراً هنوز روحانی شدن طبیعت رخ نداده، به کار گرفته می‌شود. تیلور معتقد است که جادو یک ارتباط خیالی به جای یک ارتباط واقعی است. مثلاً یکی از شیوه‌های جادویی برای ضربه زدن به دشمن استفاده می‌شود این است که آدمکی به شکل دشمن را می‌سازند و هر بلایی که می‌خواستند را سر این آدمک می‌آورند و عقیده دارند به این ترتیب به دشمن نیز آسیب می‌رسانند (کیایی، ۱۳۹۱).

به گونه‌ای که فریزر بیان می‌کند، انسان اشتباه‌ها روابطی را که میان اشیاء در ذهن او وجود دارد با روابطی که در عالم واقعی و در طبیعت میان آن‌هاست اشتباه می‌گیرد. در نتیجه، فکر می‌کند چون قادر است در ارتباطاتی که در ذهن او بین اشیاء وجود دارد مداخله کند، می‌تواند در عالم واقع نیز طبیعت را به نفع خود تغییر دهد.

فروید سوالی مطرح می‌کند که «چرا انسان‌ها به دنبال جادو هستند؟». وی اظهار می‌دارد که: انگیزه پرداختن به جادو جزو امیال و آرزوهای آدمی نیست. انسان‌های نخستین، اعتماد بی‌اندازه‌ای به قدرت امیال خود داشتند. یعنی برای رسیدن به آرزوهایشان به جادو روی می‌آوردند. در اصل هر آنچه را که می‌خواستند در ناخودآگاه<sup>۴</sup> خود به دست آورند با وسایل جادویی به آن دست می‌یافتند. بچه‌ها در شرایط مشابه نیز این‌گونه عمل می‌کنند. کودکان امیال خود را با توهمات ارضا می‌کنند؛ مثلاً سوار بر چوب می‌شوند و آن را اسب می‌بینند و صدای شیهه آن را می‌شنوند. دلیل اینکه بچه‌ها و مردم اولیه به تجسم تقلیدی بسنده می‌کنند این است که به میل و اراده خود ارزش اغراق آمیزی نسبت می‌دهند.

<sup>1</sup> animism

<sup>2</sup> sorcery

<sup>3</sup> magic

<sup>4</sup> unconscious

اصل حاکم بر جادو همان قدرت فراگیر افکار و اندیشه است. فروید می‌گوید: «من این اصطلاح را به بیمار بسیار باهوشی مدیونم که از افکار و تجسمات وسواسی در رنج بود و پس از آنکه به مدد روانکاوای معالجه شد توانست از همه استعدادهای جسمی و روانی خود استفاده کند». اعتقاد به قدرت فراگیر اندیشه، در همه بیماری‌های دیگر روانی نیز وجود دارد. بیماری روانی فرد هرچه باشد علت بروز علائم مرضی آن نه تنها تجارب واقعی زندگی اوست بلکه تجارب ذهنی و فکری او نیز می‌باشد. احساس گناه شدیدی که بیمار روانی از آن رنج می‌کشد، به هیچ وجه به علت اعمال زشتی که در عالم خارج انجام داده نیست. مثلاً ممکن است از احساس گناه شدیدی در رنج باشد گویی که مرتکب چندین قتل در دنیای واقعی شده است. در حالی که علت این احساس گناه او آرزوی مرگ شدیدی است که او در ناخودآگاهش بر ضد هم‌نوعان خود داشته است. علت این احساس گناه، مصداق خارجی ندارد بلکه ریشه در نیات و آرزوهای ناخودآگاه او دارد. مسیر تحول قدرت فراگیر افکار را می‌توان در سه دوره جهان بینی زنده بینی (اسطوره‌ای)، جهان بینی مذهبی (خدایپرستانه) و جهان بینی علمی نشان داد (کیایی، ۱۳۹۱). فروید ادامه می‌دهد که: «با این فرض که قدرت فراگیر فکر، نزد مردمان اولیه در واقع شاهدهی است به نفع موضوع خودخواهی، می‌توان سیر تحولات شیوه جهان بینی انسان را از یک طرف و سیر تحولات شهودی را از طرف دیگر موازی با هم مقایسه کرد. آن وقت متوجه خواهیم شد که مرحله زنده بینی چه از لحاظ زمانی و چه به لحاظ محتوایی برابر است با دوره ظهور خودخواهی در افراد و دوره آیینی با دوره شیء یابی در دنیای خارجی که خصیصه آن تثبیت لیبیدو در والدین است و دوره علمی با دوره پختگی و بلوغ که ویژگی آن ترک غریزه لذت جویی و تطبیق انتخاب شیء خارجی با مقتضیات واقعیت می‌باشد» (فروید، ۱۳۸۵).

نخستین جهان بینی انسان همان «زنده بینی» است و بشر برای تدارک چنین استنباطی نیازی به علم نداشته است. جادوگری قدیمی‌تر و بدوی‌تر از نظریه ارواح<sup>۱</sup> که هسته مرکزی زنده بینی است - می‌باشد. تمایل انعکاس جریان‌های روانی خود به خارج فرافکنی است که در قالب تسکین روانی و البته نوعی مکانیزم دفاعی عمل می‌کند (کیایی، ۱۳۹۱). فروید در تبیین زنده بینی می‌گوید: «هم حس و هم ادراک وجود دارد و هم حافظه و یا اگر بخواهیم کلی‌تر بگوییم، هم شناخت خود را از جریان‌های ناخودآگاه روانی به خارج فرافکنی می‌کنیم و هم شناخت خودآگاهانه خود را؛ به طوری که می‌توان گفت روح یک شخص یا یک شیء در آخرین تحلیل به این ویژگی خلاصه می‌شود که آن شخص یا شیء بتواند وقتی از میدان احساس خارج می‌شود، به صورت یک خاطره یا یک تجسم ظاهر شود».

### روانشناسی امروز و جادودرمانی دیروز

بدون شک، یکی از جنبه‌های درمانی جادو را می‌توان تلاش برای بهبود و درمان بیماری‌های روان‌شناختی دانست. از آنجایی که بیماران روانی همواره دارای مشکلات اجتماعی زیادی بوده و موجب ناراحتی و تنش در خانواده بوده‌اند، جادو به عنوان راه حل درمانی اصلی ارائه می‌شده است. از جمله بیماری‌هایی که برای درمان آن‌ها به جادوگران رجوع می‌شده است، می‌توان به دیوانگی، صرع، مالیخولیا و ... اشاره کرد. عناوین این بیماری‌ها امروزه تغییر کرده و نام‌هایی تخصصی‌تر دارند. بسیاری از این بیماری‌ها دلایل نوروفیزیولوژیک<sup>۱</sup> داشته و درمان‌های دارویی و روان‌شناختی برای آن‌ها تایید شده است. لیکن درمان‌های جادویی را می‌توان صرفاً تلاشی در جهت بهبود این افراد دانست که لزوماً نتایج معناداری نداشته است. حتی اگر تغییری در وضعیت فرد ایجاد می‌گردیده است، می‌توان این پدیده را توسط اثر زمان یا اثر درمانگر تبیین کرد.

#### اثر زمان

اثر زمان اشاره به این موضوع دارد که برخی بیماری‌های روانی بدون درمان یا دارو درمانی و تنها بر اثر گذشت زمان بهبود می‌یابند. به طور مثال، افسردگی عمده دارای دوره‌های ۶ تا ۱۳ ماهه است. فرد افسرده حتی بدون دریافت درمان پی از

<sup>1</sup> neurophysiologic

این دوره بهبود نسبی می‌یابد (روزنهان و سلیگمن، ۱۳۹۲). در این رابطه، صرف گذشت زمان (و نه تأثیر جادو) می‌توانسته منجر به بهبود در نشانه‌های بیمار گردد.

### اثر درمانگر

اثر درمانگر نیز بر این واقعیت اشاره دارد که صرف دیدار با یک مرجع قدرت واقعی یا کاذب (خواه روانشناس یا جادوگر) می‌تواند اثر درمانی داشته باشد. مطالعات حاکی از این است که در میدان کار روانشناسی بالینی حدود ۳۰ درصد از بهبود بیمار تنها توسط رابطه خوب درمانگر و درمانجو (راپورت<sup>۱</sup>) تبیین می‌شود. ماهیت چنین رابطه‌ای می‌تواند در دیدار با یک جادوگر نیز شبیه سازی شود. لیکن، رابطه موثر فرد بیمار و جادوگر (مثلاً در یک قبیله) می‌توانسته منجر به کاهش نشانه<sup>۲</sup> های بیمار شود.

### نتیجه گیری

در این مقاله، ابتدای به تبیین جایگاه جادو برای انسان سده‌ها و هزاره‌های قبل پرداخته شد. بیان گردید که جادو دست‌آویزی برای توضیح روابط پیچیده طبیعی محسوب شده و به نوعی وسیله‌ای برای اعمال تغییرات در جهان اطراف ادراک می‌شده است. این تلاش برای به اختیار گرفتن افسار طبیعت در جهات مختلفی وجود داشته و یکی از انواع مهم آن در درمان بیماری‌ها بوده است. در این میان، درمان بیماران روانی، به جهاتی قابل درک، از مهم‌ترین وظایف جادو بوده است.

در ادامه، انواع سحر مورد بحث قرار گرفت. جادوی لفظی و عملی مورد بحث قرار گرفتند و مثال‌هایی از هر یک ارائه شد. جادوهای تقلیدی و تهدیدی نیز مورد بررسی قرار گرفتند و به نوعی ریشه تاریخی برخی روان‌درمانی‌های جدید قلمداد شدند. برخی از اشکال به کار رفته در اشیاء به کار رفته در درمان بیماران روانی نیز به تصویر کشیده شدند.

نظرات فروید در مورد سحر و جادو از کتاب توت‌م و تابوی وی اقتباس شد. وی بر سیر اسطوره-دین-علم تأکید می‌ورزد و جهان بینی زنده بینی را محور سحر و جادو می‌بیند. این جهان بینی یک چارچوب اسطوره است که وی آن را در کودکان نیز حاضر می‌یابد. فروید، قدرت فراگیر فکر را ویژگی اصلی این مرحله تحولی (چه در سیر جهان بینی انسان و چه در سیر تحولی کودک) می‌داند که در افراد با بیماری‌های روانی به طور پاتولوژیک پدیدار می‌شود.

در نهایت به بررسی پدیده جادو از منظر روان‌شناسی امروزی پرداختیم. دو پدیده‌ای را که دارای شواهد پژوهشی محکم در روان‌شناسی بالینی پذیرفته می‌شوند، به عنوان دلایل بالقوه کارکرد احتمالی جادو در درمان بیماران روانی ارائه کردیم. پدیده اول تحت عنوان اثر زمان است. این پدیده به بیان ساده نشانگر این واقعیت است که گاهی اگر یک بیمار روانی به حال خود رها شود نیز پس از طی یک زمان ممکن است بهبود نسبی پیدا کند. نکته دوم، این بود که دیدار فردی که دارای مشکل بوده و جادوگر، خود می‌توانسته اثر درمانی داشته باشد. در روانشناسی بالینی این پدیده گاهی اثر درمانگر خوانده می‌شود.

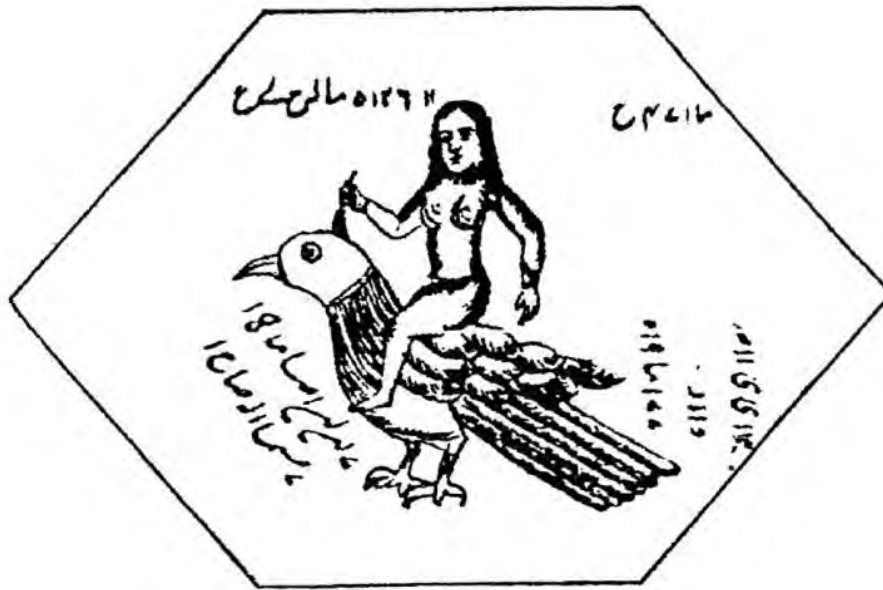
به طور کلی‌تر، جادو به عنوان کوشش‌های انسان برای کنترل عالم، توسط انجام یک سلسله اعمال ویژه تلقی شده است. در این صورت جادو، هسته‌های علم را آفرید، زیرا جهان را به عنوان یک پدیده طبیعی که در آن رابطه علت و معلولی جریان دارد، مورد توجه قرار داد. جادوگران چون دانشمندان در جستجو بر آمدند تا علل اصلی امور را دریابند و آن‌ها را کنترل کنند. در آن سوی داستان، افراد عام که جهان خارج را جایی ترسناک می‌پندارند که قابل پیش‌بینی نیست، به جادوگران پناه می‌آورند بلکه آن‌ها را از خطرات نامعلوم در کمین برهاند. فی‌الواقع، جادوگر (چه در نقش درمانگر و چه به معنای عام کلمه) نقش مرجع قدرتی را ایفا می‌کند که ° بر خلاف دیگران- نه تنها از جهان خوف‌انگیز بیرون نمی‌هراسد بلکه توانایی کنترل آن را نیز در اختیار دارد.

<sup>1</sup> rapport

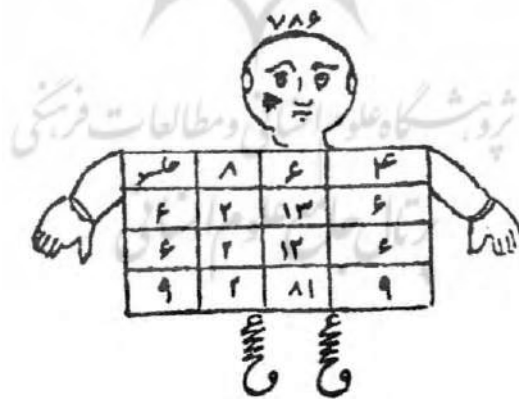
<sup>2</sup> symptom

## منابع

- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۴). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- چاکری، آزاده (۱۳۹۳). مطالعه قابلیت های عناصر بصری حرزها و نمود آن در آثار هنر معاصر (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.
- چایلد، گوردن (۱۳۵۲). انسان خود را می سازد (ترجمه احمد کریمی). تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- خدیش، پگاه (۱۳۸۸). بازتاب و کارکردهای سحر و جادو در افسانه های سحرآمیز. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال هفدهم. شماره ۶۵. صص ۱۶۵-۱۵۱.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). مشرق زمین گاهواره تمدن. جلد اول. تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
- رحمانیان، داریوش؛ حاتمی، زهرا (۱۳۹۱). سحر و جادو، طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار. جستارهای تاریخی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال سوم. شماره ۲. صص ۴۴-۲۷.
- روزنهن، دیوید؛ سلیگمن، مارتین (۱۳۹۲). آسیب شناسی روانی ۱ و ۲ (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: انتشارات ارسباران.
- ستاری، جلال (۱۳۸۷). رمز اندیشه و هنر قدسی. تهران: نشر مرکز.
- شاملو، سعید (۱۳۸۱). آسیب شناسی روانی. تهران: انتشارات رشد.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹). سفر دانه به گل، سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار. تهران: تاریخ ایران.
- علی پورسعدانی، رضا؛ شیخ زاده، مرجان (۱۳۸۸). اشیا جادویی در فرهنگ عامه ایران و تأثیر آن در نقاشی مکتب سقاخانه. مجله باغ نظر. سال ششم. شماره ۱۱. صص ۶۸-۵۳.
- فروید، زیگموند (۱۳۸۵). توتم و تابو (ترجمه ایرج پور باقر). تهران: انتشارات آسیا.
- فریزر، جیمز (۱۳۸۳). شاخه زرین (ترجمه کاظم فیروزمند). تهران: انتشارات آگاه.
- فضایی، یوسف (۱۳۶۹). جادوی عملی و مسری ابتدایی. تهران: نشر چیستا.
- کیایی، نسیم (۱۳۹۱). خلاصه و نقد کتاب توتم و تابو نوشته زیگموند فروید. فصلنامه رویش روانشناسی. سال اول. شماره ۱. صص ۱۴۰-۱۱۲.
- ماهیار، عباس (۱۳۸۴). تعویذ در شعر خاقانی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال ۱۲ و ۱۳. شماره ۴۷-۴۹. صص ۲۲۷-۲۱۳.
- محرری، محمدرضا (۱۳۷۳). نگاهی به تاریخ روان پزشکی و تاریخچه روان پزشکی در ایران. فصلنامه اندیشه و رفتار. سال اول. شماره ۲ و ۳. صص ۴۹-۲۷.
- هولز، هانس (۱۳۵۱). جادوگری (ترجمه ضیالالدین طباطبایی). تهران: انتشارات ابن سینا.



شکل ۱- کارکرد : رفع مالیخولیا و صرع



شکل ۲- کارکرد : ایمنی و سلامتی در وضع حمل



شکل ۳- کارکرد: رفع درد و شفای مریض

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



شکل ۴- کارکرد: درمان بی خوابی